



۲۰۱۷/۱۲/۲۱



نادر شاه سدوزی

## آیا افغان ها در خاک خود بیگانه و یا بی ریشه می باشند؟

این ضرب المثلی دلچسپی است که می گویند عقل سلیم در بدن سالم است و بدن سالم وقتی نصیب انسان می شود که از افراط گرائی دوری گزیند و راه اعتدال را پیشه گیرند.

سیاست یک هنر ماجراجویی نیست. سیاست یک علم اداره کشور است که وظیفه اصلی آن به دوش دولت است. دولت حق مسلم دارد که نظر به قانون در اداره کشور قسمی عمل نماید که عدالت برقرار شود و گر نه در غیر آن هرج و مرج و یا بی نظمی و بی عدالتی به اوج خود خواهد رسید.

این مطلب حاوی دو خبر مهمی است که در طول این هفته بالایش تبصره های زیادی صورت گرفته است.

■ اولی در باره تائید کلمه افغان در ملیت افغان ها و دین اسلام که در تذکره های الکترونیکی ثبت گردیده.

■ و دومی در باره استعفاء عطا محمد نور والی بلخ می باشد.

در باره موضوع اولی قسمی که در روزنامه ها تذکر رفته بعد از یک سلسله مناقشات و مباحثات فراوان بین یک عده محدود وکلای ولسی جرگه و مشرانو جرگه به این نتیجه رسیدند که در تذکره الکترونیکی تابعیت افغان و دین اسلام درج گردد. بدین لحاظ این پیروزی را برای همه مردم افغانستان و بخصوص رئیس جمهور و رئیس مشرانو جرگه محترم مسلمیار صاحب از صمیم قلب تبریک عرض نموده و چند نکته ای در باره اضافه می کنم.

اولاً قسمی که در همه جای دنیا رائج است مسأله تابعیت ارتباط مستقیم با محل تولد دارد. یعنی اینکه روشن باشد که تولد شخص در کدام قطعه خاک صورت گرفته است. بدین اساس تولد در خاک اصل مطلب ملیت را تشکیل می دهد. ولی بعضی ها نیز موضوع خون را نیز در میان می گذارند که آنقدر مهم نیست.

در قانون اساسی این مطلب تذکر یافته که افغان به شخصی اطلاق می شود که در خاک افغانستان تولد یافته باشد. پس افغان های که در خاک افغانستان زاده شده اند بر طبق قانون و بدون جر و بحث افغان شمرده می شوند و نظر به گذشته های تاریخی و فرهنگی همه آنها دارای ریشه های قومی، فرهنگی، لسانی، دینی را دارا بوده که در حقیقت مردم افغانستان را تشکیل می دهند.

مگر با تأسف یک طفلک بیچاره و بدبخت که از دهنش هنوز هم بوی شیر می آید خود را مکلف می داند که از عطا محمد نور والی بلخ دفاع نموده و افغان ها را بی «ریشه» یعنی «بی فرهنگ» می داند. مقصد شوم این شخص بی ادب، پشتون ها می باشد که از گفتار کتیف وی بوی «افغانستانی ها» با تبعیض قومی به مشام می رسد. پس خود شما قضاوت کنید و ببیند که با چگونه مشکلات جاهلانه مواجه می باشیم. تحقیر و توهین به اقوام با هم برادر یک تصویر کاملاً جاهلانه بوده ولو که دارای سطح بالای دانش هم باشیم، که بدین ترتیب بهای آن دانش به صفر می ارزد. این طفلک نوزاد که علاقه ای به قهرمان بازی پیدا کرده اولاً خوبتر خواهد بود که با ادب شود و احترام بزرگان را به مثل سایر افغان ها بجا آورد تا اینکه به مقامی برسد. زیرا شخص بی ادب را نه کسی می پسندد و نه به مقامی می رسد. این شخص باید مطابق رسوم و عنعنه افغان ها نصیحت شود که به راه درست بیاید.

حال می پردازیم به اصل مطلب دیگر که مسأله استعفی عطا محمد نور می باشد. وی خودش نظر به اطلاعات واصله خواستار استعفی شده بود که بعد از مدتی مورد تائید رئیس جمهور قرار گرفت و در عوض وی شخصی به نام محمد داود مقرر گردیده است. ولی چرا استعفی؟

نخست اینکه و قسمی که از اظهارات خودش واضح می شود می خواهد فشاری بالای رئیس جمهور وارد کند تا شرایط وی مورد قبول قرار گیرد.

پس شرایط وی چه می باشد؟

هیچ معلوم نیست.

به فکر خودش وی تلاش می کند تا خود را شخص اول حزب جمعیت معرفی نموده تا با رئیس جمهور و بدون در نظر داشت عبدالله عبدالله وارد مذاکره شود. این خود به طوری طبیعی تضادی را در بین حزب جمعیت به وجود خواهد آورد و آن حزب را به بحران درونی سوق خواهد داد. پس فکر می شود که یکی از شرایط عمده وی امکان دارد که گرفتن کرسی عبدالله عبدالله باشد تا وی بتواند بدون کدام دغدغه با رئیس جمهور همکاری شود که البته این گونه مطالبات مغرضانه از طرف ریاست جمهوری رد شده و وی بدین اساس استعفای خود را تحریری تقاضا نموده که از طرف ریاست جمهوری پذیرفته شد.

ولی پلان های عطا محمد نور در همین جا خاتمه نمی یابد زیرا وی نخست می خواهد که عبدالله عبدالله را از سر راه خود دور ساخته تا اینکه بتواند در آینده خود را برای ریاست جمهوری کاندید نماید. به همین نسبت است که وی با رشید دوستم که یک شخص زیر دار گریختگی و فراری است و علت فراری بودنش هم اینست که وی بالای یکی از افرادش تجاوز جنسی نموده تا وی را به اطاعت از خود وادار سازد. نامبرده دوسیه ای در محکمه دارد که در حال تکمیل شدن است. بعداً با شخص دیگری حاجی محقق که نفر دوم ریاست اجرائیه می باشد و وی وظیفه گرفته بود

تا بدون اطلاع دولت یک تعداد افغان های مظلوم را در جنگ سوریه به طرفداری ایران بفرستد تا ناحق کشته شوند. به همین نسبت آنها در ترکیه ائتلاف مجهولی را به نام «نجات افغانستان» تشکیل داده بودند تا اینکه در روز مبادا به دردشان بخورد و حکومت ترور و وحشت را دوباره احیاء نمایند که به دور از واقعیت نیست.

اگر دوباره در باره استعفی بیایم، حال دیده می شود که شخص نامبرده عطا محمد نور از دادن استعفی امتناع می ورزد و با تهدید می خواهد که با دولت معامله نماید و می گوید که کرسی ولایت را ترک نمی کنم.

فکر می کنم که آنها در باره مقام ریاست جمهوری هنوز هم درک دقیق و درست ندارند. باید برای آنها تفهیم گردد که مقام ریاست جمهوری یک بازیچه طفلانه نیست.

اصلاً مقام رئیس جمهور یک مقامی به دور و مجزا از حزب و حزب بازی بوده و قدرت وی مافوق احزاب سیاسی می باشد. وی به هیچ یک از احزاب سیاسی شامل نبوده و نباید باشد تا اینکه وی بتواند به صورت مستقل و شایسته از وطن و اتباع آن حراست نماید.

با تهدید نمی توان مشکلات امروزی را حل و فصل نمود. برای ختم مطلب خود به گفتاری از جناب محترم کبیر رنجبر که یکی از حقوق دانان برجسته کشور می باشد پرداخته که ایشان چنین می فرمایند:

**« در این معضله حکومت به مردم افغانستان و تمام دنیا امتحان می دهد که می تواند بغاوت را سرکوب کند و یا نه؟ در غیر آن حیثت و آبروی دولت از بین می رود. چطور می توانند این را مطرح کنند که کرسی ولایت را ترک نمی کنیم، این یک بغاوت است.».....**

پایان